



ترجمه عبدالجبار خان

ما بعد از شماره ۲ - از ۹

تحلیل نفسی

ستیکل که یکی از علمای (تحلیل نفسی) میباشد اظهار میدارد که يك جوان بیست ساله قوی الجثه نزد آمده شکایت از ترس و هول خوردن خود (در حال تنهایی) مینمورد با وجودیکه ذریعه آب و برق و غیره و سائل علاجهای زیاد نموده از آن فائده ظاهر نگردید تا بکلی مأیوس نباشد چند سوال امتحانی از او کرده گفتم :- آیا پدر و مادر خود را دوستداری؟ (۱)

جوان جواب داد:- بمادر بسیار تر! گفتم والدینت غریب یا ندیباغنی؟ گفت « بدرجه غریب اند که گذاره شان بر من است». آیا کنار شما چیست؟ «من خزانه دار بانك هستم» مثلیکه از دست شما پولهای زیادیدو میشود؟ «بلی روزانه به لکها میرسد»

(۱) نظریه مشهور و مشكوك تحلیل نفسی است که بچه چار، پنج ساله نسبت بمادر خود و دختر به پدر خویش بیشتر محبت جنسی حس میکنند این رابطه و محبت تا آنکه مدت قائم مانده بالاخر کاسته میشود - درینوقت هر نوع احساساتی را اختیار کنند «خوب یابد» بهما صورت در سرشت آن بطور مخفی و دائم قائم گردیده نتایج مثبت آن طرف مقابل بظهور نمیرسد.

ازین دانستم که فکر کشیدن پول و دادن آن بوالدینش ضرور بدمانگش سرایت کرده بنا بران پرسیدم «آیا بخاطرت خطور کرده خواهد بود که از یکطرف لکهاروپیه مانند آب هرروزه بیرون میرود و ازطرف دیگر والدینت اینقدر نادار هستند؟» جواباً گفت:- آری بدفعات! باز گفتم آیا فکر کشیدن مبلغی از بانک و دادن آنرا بوالدین داری؟ بشنیدن این رنگش پریده بعد از قدری تامل گفت «خیال م بگرفتن و بردن پول شده بود ولی آنرا زیر فشار آورده اجرا نکردم» گفتم بلی هر شخص شریف باید چنین بکند. پس از اندک توفقی گفتم «توصیه ام برها کردن اینکار و اختیار نمودن بدیگر کار میباشد تا که خیال بددیانتی دران پیدا نشود آنوقت ازرها کردن آنکار انکار نمود ولی بعد از چندی شنیدم که ملازمت مذکور را ترك داد - بعد ازان فکر مذکور که مومی الیهرا تحت فشار گرفته بود متدرجاً از دماغش خارج شده بالاخر از مرض اعصابی نجات یافت - سبب ترس این شخص در حال تنهایی ، این بود که چون خیال کشیدن پول را از بانک بطور ناجائز داشت بنا بران ضمیرش مجرم گردیده نتیجه محکومیت بجزار (که آیا چگونه سنگین خواهد بود؟) همیشه بدل میپژورانید - از انجهد هر وقت که این مسئله بیادش میآمد ضمیر مجرمش بهیجان آمده منتج به ترسیدن و هول خوردن میگردد - ازین وضعیت معلوم میشود که (مجادله نفسی) چنان ممتحنی است که بدون از اجرای سوال و جواب ، تمام کوائف ذاتیه و حیاتیه انسانرا خود بخود توضیح و آشکار مینماید از همین باعث است که انسان برای مقابله نمودن بزرگترین مصائب و مخوفترین خطرات دنیا استعداد فطری دارد بناءً علیه صحت و سلامت داشتن کوائف صحیح نفسیه را مهم دانسته دران زمینه باید خیلی جاهد و مساعی باشیم.

توجه نموده اند - متأسفانه بعضی از آنها چنین تصور کرده اند که اگر عنان شهوات و جذبات فطری خود را سست گذاشته و هر چه دل بخواهد آنرا بکنیم صورت حیات ما بهتر خواهد شد حالا نکه (تحلیل نفس صحیح) بذات خود همچو آزادبهارا ایجاب ننموده بمخالفتش امر میدهد و ضمناً بمانشان میدهد که چون در اکثر حالات از یکطرف علل و اسباب ذلت و خواری و حتی ناخوشیهای انسانی و از دیگر جانب سوء ظن و بزدلی و وهم پرستی افراد و از دیگر سو بندشهای احمقانه جمعیت و غیره موجود میباشد پس لازم است که انسداد آنها را از فرائض اولینه خود دانسته بممانعتش جهاد نمائیم .

اثر عملی (تحلیل نفسی) در حیات شعبات مختلفه غرب ظاهر آنما یا نیست چنانچه تریه اطفال نسبت باصول تریه سابق متفاوت بوده اطفال علاوه برداشتن آزادی تامه در حیات خانگی ، والدین بدرجه منہمک آنها دیده میشوند که اهمیت هر گفتار و کردار آنرا (با اینکه جزوی و غیر ضروری باشد) بخوبی دانسته او را برآء صحیح رهنمائی میکنند - مقصد از مکتبهای امروزی چنان نیست که مثل سابق چند ساعت بالای شاگرد کتابهای مخصوص را بخواند و کتابچه های زیادی را بنویسد بلکه معنای آن اینست که قوای معنویه متعلم را اندازه نموده میل و دلچسپی و صلاحیت داری او را از نقطه نظر علم و حیات بسنجد و تحت انضباط و کنترل اصولی بیاورد تا شوق و حوصله آن بر هم نخورده در آتی این طفلک مکتبی يك جوان فعال و بیدار برآید بعد از آن مکتب خواهد سنجد که تمام قوای او را چگونه و بکدام ترتیب بطور صحیح بکار انداخته خواهد توانست ؟

هكذا مقصد از حبس شریر النفس هادر مجس این نیست که خواه مخواه بآنها ساز داده شود

بلکه مقصد اینست که مجادلات ذهنیه آنها را تحت مطالعه گرفته و اصلاح آنرا نمایند و باز بدائره معاشرت داخلش سازند - باساس این مقصد، بعوض اینکه اورا سزای مختلفه جسمانی بدهند به تعلیم، تربیت و اصلاح نفس شریرا و کوشیده نظر باوضاع جرم و شرارتش عند اللزوم رفتار نموده از صبر و حوصله کار میگیرند - در سابق سعی مینمودند که سزای آن جسماً خیلی سنگین باشد لیکن درین دور میخواهند که جرمش را کماحقه بنقطه آخرین اثبات نموده از روی اخلاق و علم النفس با او رفتار نمایند یعنی افعال مذمومه اش را از روی انصاف و صداقت و همدردی با او دانانده بیک وضعیتی پیش می آیند که قلباً از کردار نا هنجار خود نادم و باصلاح صحیح و نفس خویش شخصاً عامل گردد - درینوقت اعتماد و تمیز کیه نفس پیدا شده مجرم مذکور معنأ می شکند و در عروق و مجاری خون زنده و پاک در جریان می افتد .

امروز در اروپا سه نفر از ماهرین (تحلیل نفسی) مشهورند : - اول تراز همه فروید نامی است که بانی علم (تحلیل نفس) قرار داده شده .
دوم آن ژنگ نامیست که مؤجد نظریه خیال گفته شده و آثار او (تجلیات نفسی) نامیده میشود - رهنمای سوم آن آدلر نامیست که آثارش بنام (نفسیات انفرادی) موسوم است .

اینها همه نسبت با اهمیت نفس غیر شعوری و اثرات مضره اقتباس قائل بوده مفا د تجزیه نفس را تائید مینمایند اما در تفصیلات و دیگر امور مر بوطه آنها اختلافات زیادی دارند چنانچه فروید تقریباً منبع کل خوبیها و بدیها را به جنسیت قرار میدهد - در فلسفه ژنگ عنصر روحیائیت و مذ هبت هم شامل است .

آدلر بر اساس مقتدر ساختن عمارت تعاون را بر میخیزاند - ژنگ در بعضی حالات پیش کوئی خواب را قبول میدارد. اما فر و نڈازان منکر است. آدلر طرفدار (خبط برتری) و (خبط کمتری) بوده میگوید که امروز اکثر متکبرین و یا از افراد متمدن و خلوت پسند به همین امراض ذهنیه گرفتارند.

ژنگ نسبت به بی اطمینانی و مظاهرات نفسانی امروزه بچنان نتیجه دلچسپ و عالمگیر که همه بآن علاقه زیادی دارند میرسد که انسانهای عصر حاضر به پیدا کردن (روح) سرگردان هستند و عجب نیست که (قرار نظریه ژنگ) باین نصب العین فائز گردند.

